

مبانی کلامی و اخلاقی همدلی و همزبانی در قرآن کریم و عهدین

سید احمد میریان*

آمنه درویشی**

چکیده

از تعالیم روح بخش دین مبین اسلام وادیان آسمانی دیگر (مسیحیت و یهودیت) چنین برداشت می شود که هرگز با فردگرایی و بی توجهی به دیگران موافق و همراه نبوده و محیط مساعد اجتماع را، شرط لازم برای دست یابی به کمال دانسته است. این شرط میسر نمی شود جز در لوای خصیصه مهم همدلی و همزبانی و آن هم برمبنای اصول اعتقادی، بنیادی و اخلاقی. این تحقیق تحت عنوان «مبانی کلامی و اخلاقی همدلی و همزبانی از نگاه آموزه های قرآن کریم و عهدین» و با هدف بررسی مبانی کلامی و اخلاقی آن انجام گرفته است.

سوال اصلی تحقیق این است که مبانی نزدیک یا مشترک کلامی و اخلاقی هم دلی و همزبانی در قرآن و عهدین کدامند؟ روش تحقیق در این مقاله کتابخانه ای - تحلیلی می باشد. بررسی منابع اصلی و مرتبط با مساله تحقیق نشان می دهد که از جمله مهم ترین مبانی کلامی در قرآن کریم و عهدین عبارتند از: ایمان گرایی، خدامحوری، وحدت در عقیده و هدف، رهبری واحد، تفاهم بیانی و زبانی. و از مهم ترین مبانی اخلاقی می توان به: نیت خیر، تقوا، حسن خلق، احساس مسئولیت، نعدوستی، و سرانجام عدالت محوری و انصاف اشاره کرد.

واژه های کلیدی: قرآن، عهدین، همدلی، همزبانی، توحید، مسئولیت پذیری.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، مازندران، ایران

** کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، مازندران، ایران (نویسنده

E-mile Darvishamene@yahoo.com

مسئول)

پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۱

اصلاحات: ۱۳۹۴/۹/۲۰

دریافت: ۱۳۹۴/۷/۲۱

مقدمه

همدلی ظرفیت بنیادین افراد در تنظیم روابط، حمایت از فعالیت های مشترک و انسجام گروهی است. این توانایی نقشی اساسی در زندگی اجتماعی دارد. مسئله همدلی و همزبانی در جامعه اسلامی براساس آموزه های قرآنی از اهمیت خاصی برخوردار است. ادیان آسمانی (مسیحیت و یهود) هم به این مسئله توجه ویژه ای نموده اند، چرا که این مسئله را شالوده، قوام و بقای نظام های اجتماعی خود دانسته و به تعبیری دیگر، این امراساس و بنیان و پایداری نظام اجتماعی را تضمین می نماید. همدلی و همزبانی عاملی برای وحدت، اخوت و اتحاد و در نهایت موجب تکامل افراد جامعه گشته به طوری که در جامعه ای که میان مردمان آن، فرهنگ خوش بینی و نوع دوستی سایه گسترانیده باشد و آحاد آن به دیده اعتماد به یکدیگر بنگرند و باخصلت بدبینی در تمام عرصه ها در ستیز و تیرهای تهمت و افترا را به سوی یکدیگر نشانه نگرفته باشند، بی تردید همدلی و همزبانی در بالاترین سطح خود در این جامعه حکم فرما خواهد شد. آیین اسلام که فرهنگ همدلی و همسویی و فریادرسی بوده، پیوسته انسان ها را به صلح و برادری توصیه می نماید. البته سایر ادیان آسمانی (مسیحیت و یهودیت) پیش از اسلام پیروان خود را به همدلی و برادری توصیه نموده اند. در حال حاضر باید بپذیریم که جامعه اسلامی ما از سوی دشمنان، مورد حمله زیادی قرار گرفته و کانون اصلی این حمله هم، سست و تضعیف نمودن پایه های وحدت، یکپارچگی و همدلی آحاد جامعه است. در همین راستا با تدبیر حکیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت ا... خامنه ای، سال ۱۳۹۴ به سال دولت و ملت، همدلی و همزبانی نامگذاری گردید. لازم است تا همه مردم هوشیار و بیدار بوده تا در نهایت مکرو حيله دشمنان به خودشان برگردد. به همین منظور با توجه به اهمیت مسئله نیاز به انجام این تحقیق احساس شد تا از طریق بازکاوی و بازشناسی منابع غنی کتب آسمانی (قرآن و کتاب عهدین) افکار آحاد جامعه را به اهمیت و مهم بودن چنین خصوصیتی معطوف داشته تا در آینده شاهد و ناظر بالندگی و شکوفایی هرچه بیشتر جامعه اسلامان باشیم.

۱- واژه شناسی همدلی و همزبانی

۱-۱- معنای لغوی: همدلی به معنای وفاق و یک دلی و همزبانی به معنای همدردی، زبان یکدیگررا فهمیدن (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۵: ۲۳۵۳۶ و ۲۳۵۵۴۱). در فرهنگ نفیسی همدلی به معنای هم خیالی، هم رای، یک جهتی و دارای یک عقیده بودن و همزبانی به معنای دارای یک

زبان و یک لغت بودن آمده است (نفیسی، بی تا، ج ۵: ۳۹۶۳). در فرهنگ عمید، هم‌زبانی به معنای کسی که با دیگری در تکلم به زبانی شرکت دارد، آورده شده (عمید، ۱۳۸۲: ۱۳۱۹).

۱-۲- مفهوم اصطلاحی: ادبا در خصوص مفهوم اصطلاحی همدلی و هم‌زبانی چنین آورده اند که همدلی به مفهوم آنست که کسی از نظر روحی و عاطفی باکس دیگر توافق و هم‌فکری داشته باشد و هم‌زبانی به مفهوم این که دو یا چند نفر به زبان مشترک سخن بگویند و از نظر روحی، عاطفی و فکری با یکدیگر پیوندی بسیار نزدیک دارند (انوری، ۱۳۸۲: ۲۶۱۷). در قرآن مجید هم به صورت مستقیم و غیر مستقیم باواژگانی چون «واحد فالف بین قلوبکم»، «لا تنازعوا»، «لا تتبعوا السبل»، «تفرقا بین المومنین» آمده و هشدارهایی برای عدم تحقق و امیدهایی برای تحقق وحدت و همدلی آورده است.

۲- مبانی کلامی همدلی و هم‌زبانی

آن چه که می‌تواند در باره مبانی کلامی و اخلاقی همدلی و هم‌زبانی ذکر نمود، این است که همدلی در اعتقاد و هم‌زبانی در روش و تبیین باورها و اعتقاد، می‌بایست در جهت اصلاح امور جامعه و پیشبرد اهداف متعالی آن، باشد. و از طرفی می‌توان چنین گفت که همدلی و هم‌زبانی و اصلاح امور جامعه، زمانی تحقق خواهد یافت که هر یک از افراد جامعه بخواهند به اصلاح نفس خود پرداخته و خود را از هرگونه عوامل اختلاف و فسادانگیزی چون کبر و غرور و دیگر رذایل اخلاقی پاک نموده و به اصلاح کردار و رفتار و گفتار خویش بپردازند و بدین صورت اصلاح دیگران و جامعه، شدنی و دست‌یافتنی خواهد شد. در قرآن کریم براساس آیه ۱۱ سوره رعد، خداوند می‌فرماید؛ حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يُصْلِحْ نَفْسَهُ لَمْ يُصْلِحْ غَيْرَهُ» هر کس خودش را اصلاح نکند، نمی‌تواند دیگران را اصلاح نماید. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۸۹۹۰). اندیشه همدلی و هم‌زبانی در هر یک از ادیان به مانند هر اندیشه دینی دیگر در چارچوب و معیار دینی و فرهنگی و اعتقادی خاص همان دین معنا و تجلی پیدا می‌کند و به همین سبب از مطالعه آموزه‌های آن دین، می‌توان پی به مبانی آن اندیشه برد.

در عهدین (دین مسیح) این امر مورد توجه قرار گرفته به طوری در نشر شریعت خود چنین بیان نموده که دل و ذهن شما باید کاملاً نو شود و سرشت تازه ای را که در نیکی و پاکی حقیقی و به صورت خدا آفریده شده است، به خود ببوشانید. پس دیگر به هیچ وجه دروغ نگویید بلکه همیشه به دیگران راست بگویید، زیرا همه ما اعضای یکدیگریم. یک کلمه زشت از

دهانتان خارج نشود، بلکه گفتار شما به موقع خوب و سودمند باشد، تا در نتیجه آن به شنوندگان فیضی برسد. از این پس دیگر هیچ نوع بغض، غیظ، خشم، دادو فریاد، دشنام و نفرت را در میان خود راه ندهید و نسبت به یکدیگر مهربان و دلسوز باشید و چنان چه که خداوند در شخص مسیح شما را بخشیده است و شما نیز یکدیگر را ببخشید (عهدین، ۱۳۸۱، افسیان: ۲۳/۴). لذا به وضوح می توان دید که مطالب ذکر شده در جهت نیل انسان به سوی پاکی و منزّه شدن که این امر بنیان و شالوده هر عمل انسانی که در بین آن، همدلی و همزبانی از جمله آن است. پس با توجه به بیان وجه اشتراکات ادیان آسمانی در این اندیشه، در بسط و گسترش چنین صفات پسندیده در جامعه نباید کاستی و یا کاهلی نشان داد. از اینرو با امعان نظر به مقدمه کوتاه مذکور، آنچه در چارچوب مبانی کلامی و اخلاقی همدلی و همزبانی می تواند تاثیر گذار باشد در ادامه به ذکر آن پرداخته می شود.

۲-۱. ایمان گرایی و خدامحوری: در قرآن کریم منشأ سعاد و رستگاری و مایه ارزش اعمال آدمی، اسمان معرفی شده است. از لحاظ لغوی، ایمان از باب افعال و از ریشه امن است. ایمان به معنای «تصدیق چیزی» و یا «اطمینان و وثوق به کسی» است (جوادی، ۱۳۷۶: ۱۷۵). نسبت و رابطه میان انسان و ایمان و هم چنین نقش و کارکرد ایمان در عرصه های مختلف زندگی از جمله مباحث بنیادی است. آنچه مایه حیات حقیقی است همان ایمان است و فردبی بهره از گوهر ایمان، مرده متحرک معرفی شده است: «تو ای پیامبر، به کسانی که در گور هستند نمی توانی چیزی بفهمانی» (فاطر/۳۵). در جامعه توحیدی مبداء و صاحب هستی همه حرکات و پدیده ها، اراده و قدرت خداوند باری تعالی می باشد. انسان ها چه سیاه و چه سفید و چه دارای خون ها و نژادهای گوناگون و با وضعیت اجتماعی مختلف با یکدیگر خویشاوندند و چون به خاطریکی و مشترک بودن منشأ حیات، از یک نقطه مدد می گیرند و این نتیجه قهری اعتقاد به توحید است. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» مسلماً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند رحمان محبتی برای آنان در دلها قرار می دهد (مریم/۹۶). زنده حقیقی در آموزه های قرآن کریم کسی است که مس وجودش را با کیمیای ایمان به زر مبدل نموده، ندای خدا و رسولش را اجابت کرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» ای کسانی که ایمان آورده اید چون خدا و پیامبر شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می بخشد آنان را اجابت کنید (انفال/۲۴). لذا مبنای توحید و اعتقاد به وحدانیت حضرت حق، در تمام شئون فردی و اجتماعی جامعه اسلامی اثر گذاشته و جامعه را به یک جامعه هماهنگ و مرتبط به یکدیگر

متصل و برخوردار از وحدت و همدلی می نماید. گویا این مطلب در سخن گوهر بار رسول خدا (ص) در باب اقسام ایمان چنین بیان شده است؛ بهترین اقسام ایمان این است که برای خدا دوست بداری و برای خدا دشمن بداری و آنچه برای خود می خواهی برای مردم بخواهی و آنچه را برای خود نمی خواهی، برای دیگران نخواهی و سخن نیک بگویی یا خاموش مانی و هم چنین می فرماید: ایمان شما چون لباسی که بر تن دارید کهنه می شود، از خدا بخواهید که ایمان را در شما تازه کند (نهج الفصاحه: ۷۹). هم چنین امیر المومنین (ع) اقسام ایمان را این گونه بیان نموده اند؛ ایمان بر دو قسم است: یکی ایمانی که در دل ها ثابت و بر قرار و دیگری در میان دل ها و سینه ها ناپیدار تا سر آمدی که تعیین شده است (نهج، خطبه: ۱۸۹). روح دین، همان ایمان به خدا و حقیقت ایمان، محبت و عشق به محبوب ازلی است؛ همین ایمان و محبت است که معیار انسانیت تلقی شده و وی را به عرصه های انسانیت همچون همدلی و همزبانی سوق می دهد و از کارکردهای این عرصه، روح و ایمان خود را کامل می نماید. به موازات آموزه های قرآنی، آموزه های ادیان آسمانی دیگر (عهدین) در همین راستا چنین ذکر نمودند: «ما که در ایمان، قوی هستیم، وظیفه داریم که ناتوانی افراد ضعیف را تحمل کنیم و در فکر راحتی خود نباشیم، بلکه به خاطر خیریت و تقویت اطرافیان خود در فکر راحتی آن ها باشیم، زیرا مسیح در فکر راحتی خود نبود. در جای دیگر آمده «خدایی که سرچشمه بردباری و دلگرمی است عنایت فرماید تا پیروی از عیسی مسیح هم فکر باشید و همه با هم یکدل و یک زبان، خدا را که پدر خداوند ما؛ عیسی مسیح است، ستایش کنید (عهدین، ۱۳۸۱، رومیان: ۱/۱۵).

برای داشتن یک زندگی آسوده باید به دقت از هر امر خداوند پیروی کنید و احکام و دستورات او را که به شما داده است به جای آورید و آن چه را که نیک و در نظر خداوند پسندیده است، انجام دهید تا زندگی خوب و آسوده داشته باشید (همان، تثنیه: ۶/ ۱۷). هم چنین آمده است: ایمان بی عمل مانند بدن بی روح، مرده است. پدر ما ابراهیم به خاطر کارهای خود در وقتی که فرزند خویش اسحاق را در قربانگاه تقدیم خدا کرد، نیک و عادل محسوب شد. می بینی که چگونه ایمان او محرک کارهای او بود و کارهای او نیز ایمانش را کامل گردانید. کلام خدا که می فرماید: «ابراهیم به خدا ایمان آورد و این برایش نیکی مطلق محسوب شد (همان، یعقوب: ۲: ۲۱). بنابراین انسان ها با آراستن خود به ایمان می توانند به این نتایج بی نظیر در راستای دستیابی به یک حیات حقیقی و برخوردار از سعادت دنیا و آخرت دست یابند و در جامعه خود، اساس پایه همدلی و همزبانی را بسازند.

۲-۲. وحدت در عقیده و هدف: آموزه های قرآن، ساختار امت را برپایه وحدت در عقیده و هدف دانسته است و گاه فراتر از امت اسلام از همه معتقدان به شرایع اسلامی از یهود و نصاری می خواهد تا بر محور عقیده و هدف مشترک گردهم آیند و همدل و همزبان در مسیر گسترش آیین توحیدی همکاری داشته باشند. از مهم ترین عوامل همدلی، عقیده واحد است. قرآن کریم بارها بیان نموده، پیوند برادری که براساس معنویت و عقیده شکل می گیرد، بسیار قوی تر و ریشه دارتر از برادری خونی و نسبی است. امت اسلام که از نژادها، قبایل و اقوام و گروه های انسانی در عرض و طول جغرافیایی زمین، شکل گرفته اند، خودگواهی روشن بر این مدعا است. قرآن تفرقه و اختلاف را در ردیف عذاب های آسمانی عنوان کرده و می فرماید:

قُلْ هُوَ الْفَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيعًا وَ يُذِيقَ بَعْضُكُم بَأْسَ بَعْضٍ.

«بگو خداوند قادر است که از بالا یا از زیر پای شما، عذابی بر شما بفرستد، یا به صورت دسته های پراکنده شما را با هم بیامیزد و طعم جنگ (اختلاف) را به هر یک از شما به وسیله دیگری بچشاند» (انعام / ۶۴).

پس انس و الفتی که از راه عقیده میان افراد انسانی پدید می آید را نمی توان با هیچ امر دیگری ایجاد کرد. خداوند سبحان در این باره می فرماید: «وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» و میان دلهايشان الفت انداخت که اگر آنچه در روی زمین است همه را خرج می کردی نمی توانستی میان دلهايشان الفت برقرار کنی ولی خدا بود که میان آنان الفت انداخت چرا که او توانای حکیم است (انفال / ۶۳). هم چنین هدف مشترک عامل مهمی در همدلی افراد است. این که همه یک هدف و مقصد را بپذیرند و به سمت آن حرکت کنند، موجب می شود، همدلی و پیوندی مستحکم و استوار میان افراد گوناگون از همه جناح ها پدید آید. وحدت عامل مهم حرکت بخش به سوی هدف است و انسان ها را در گذر پیشرفت به سوی پیروزی ها، از دست اندازها و گردنه های صعب العبور، عبور می دهد، به ناتوانی ها توان بخشیده و دشواری ها را آسان می کند و ناممکن ها را ممکن می سازد. قرآن کریم، گروه گرایی و پراکندگی را از برنامه های مشرکان دانسته، و مسلمانان را به شدت از آن نهی کرده و به انسجام تحت پوشش توحید دعوت فرموده و با صراحت می فرماید: «... وَ لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعًا. . .» از مشرکین نباشید، از کسانی که دین خود را پراکنده ساختند، و به دسته ها و گروه ها تقسیم شدند. « (روم، / ۳۱ و ۳۲).

امام علی(ع) در شدیدترین شرایط هم چنان بر وحدت و همدلی پا می فشرد و می فرماید؛ «وَالزُّمُو السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّادَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّادَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذُّبِّ أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشَّعَارِ فَأَقْتُلُوهُ وَ لَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ؛ و همواره با بزرگ ترین جمعیت ها [بی که بر حق هستند،] باشید که دست خدا با جماعت است و از پراکندگی بپرهیزید که انسان تنها بهره شیطان است، آن گونه که گوسفند تنها طعمه گرگ خواهد بود. آگاه باشید هر کس که مردم را به این شعار (تفرقه و جدایی) دعوت کند، او را بکشید؛ هر چند که زیر این عمامه من باشد (نهج، خطبه: ۱۲۷).

از امام صادق(ع) روایت شده؛ «پیوسته خدا را در نظر داشته باشید و با هم برادران خوبی باشید، برای خدا همدیگر را دوست بدارید و پیوند برادری خود را مستحکم سازید و برای هم، فروتنی پیشه سازید، عطوفت و مهربانی به خرج دهید و به دیدار همدیگر بروید و با این پیوندها و اتحادها، مکتب ما را زنده بدارید» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۷۵). خدای بزرگ، برای اینکه مسلمین را از تفرقه و تشتت نهدی کند، در آیه ۱۵۹ سوره انعام فرموده است: «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أُمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ.» در واقع، خدای بزرگ در این آیه فرموده است: آنان که تفرقه ایجاد کنند، راهشان از راه پیامبر جداست، راه اینان از راه امت پیامبر (ص) جداست. لذا پرواضح است که جامعه ای پابرجا و پایدار نخواهد بود، مگر در سایه وحدت، زیرا وحدت است که امت اسلامی را امتی زنده نگه می دارد، امت اسلامی باید همچون اعضای یک پیکر باشند.

در این باره دین مسیح هم اتحاد و وحدت بین مومنین را مورد توجه قرار داده و در عهدین آمده است: چه زیبا و دلپسند است که مومنین به اتحاد دور هم جمع شوند. اتحاد مانند شب‌نم بر کوه حرمون است که بر کوه صیهون فرو می ریزد (عهدین، ۱۳۸۱، مزبور: ۱/۱۳۳). در نامه اول پولس رسول آمده: ای برادران من، به نام خداوند ما عیسی مسیح از شما در خواست می کنم که همه شما در آن چه که می گوئید توافق داشته باشید و دیگر بین شما اختلاف و نفاقی نباشد بلکه با یک فکر و یک هدف کاملاً متحد باشید (همان، اول قرن‌تیان: ۱۰/۱). هم چنین بیان شده؛ بدن انسان، واحدی است که از اعضای بسیار تشکیل شده و اگر چه دارای اعضای بسیار تشکیل شده و اگر چه دارای اعضای متفاوت می باشد باز هم بدن واحد است و مسیح هم همین طور می باشد پس همه ما خواه یهود، خواه یونانی، خواه برده و خواه آزاد به وسیله یک روح در بدن تعمید یافته ایم و همه از همان روح پر شده ایم تا از او بنوشیم (همان، اول

قرنتیان: ۱۲/۱۲). بنابراین وحدت امر معروفی است که موجب صلح و آرامش در دنیا می شود و باید برای تحقق شرایط صلح، آیین وحدت و اخوت را ایجاد نمود و آن را مستحکم تر کرد.

۲-۳- هدایت و رهبری: یکی از اساسی ترین ملزومات هر جامعه‌ای، وجود رهبر و پیشوا برای آن جامعه است؛ چراکه پیمودن راه تکامل بدون وجود رهبر و پیشوا ممکن نیست و ارسال رسل و انتخاب اوصیا در همین راستا بوده است. انسجام و هماهنگی یک جامعه به صورت «امام و امت» متبلور می شود. «امام» یعنی بزرگ راهی که با رهنمودهای او، هم «راه» روشن می شود و هم «مقصد» آشکار می گردد و پیروی از راهنمایی او، گذشته از آن که در پیمودن راه، نقش بنیادین دارد، در نیل به مقصد نیز سهم به سزایی خواهد داشت (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۳۲۳).

قرآن کریم برای انسان ها نمونه ارائه می دهد، به طوری که یکی از نیازهای انسان، نمونه طلبی است. آیه ۲۱۳ سوره بقره، به نقش هدایت و رهبری اشاره دارد: «أَنَّ النَّاسَ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اختلفُوا فِيهِ وَمَا اختلف فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أوتوه من بعد ما جاءتهم البينات بغيا بينهم فهدى الله الذين آمنوا لما اختلفوا فِيهِ من الحق بإذنه والله يهدي من يشاء إلى صراط مستقيم» مردم امتی یگانه بودند پس خداوند متعال، پیامبران نویدآور و بیم‌دهنده برانگیخت و با آنان، کتاب [خود] را بحق فرو فرستاد تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند و جز کسانی که [کتاب] به آنان داده شد پس از آن که دلایل روشن برای آنان آمد به خاطر ستم [و حسدی] که میانشان بود [هیچ کس] در آن اختلاف نکرد پس خداوند آنان را که ایمان آورده بودند به توفیق خویش به حقیقت آنچه که در آن اختلاف داشتند، هدایت کرد و خدا رحمان هر که را بخواهد به راه راست هدایت می کند. خدا محوران از آنجا که مومنان را دوست دارند، خیر خواه آنان هستند. صالح پیامبر به قومش فرمود: «... وَتَصَحَّتْ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ»... و خیر شما را خواستم ولی شما [خیر خواهان و نصیحتگران] را دوست نمی دارید (اعراف/ ۷۹).

نمونه بارز یک الگوی مطلق در همه ابعاد زندگی و برای همه جهانیان، پیامبر اکرم (ص) می باشد. عدی بن حاتم طایی، فردی مسیحی بود. از سرزمین شام به خدمت پیامبر اکرم (ص) رسید و نقل می کند، دو مطلب از پیامبر (ص) دیدم که موجب جذب شدنم به اسلام گردید؛ یکی ساده زیستی پیامبر (ص) و دیگری این که همراه پیامبر در حال حرکت بودم که پیرزنی رسید و بیش از یک ساعت ایشان را معطل کرد و او با تبسم و آرامش پاسخ آن پیر زن را داد تا جایی که من از آن همه حوصله و صبر خسته شدم، اما آن حضرت با کمال طمانینه وسعه صدر با پیر زن گفتگو می کرد، این را که دیدم، دریافتم که آن حالت، عادی نیست، ریاست یک

رئیس او را نمی‌گذارد که این قدر سعه صدر داشته باشد، مخصوصاً اگر دروغ گو و متقلب باشد، آن تقلب و درویی اش نمی‌گذارد این قدر حوصله به خرج دهد (شریفی، ۱۳۸۶: ۲۱۱). در عهدین هم به این موضوع اشاره شده که آمده است؛ (...). همه باید از اولیای امور اطاعت نمایند، زیرا بدون اجازه خدا هیچ قدرتی وجود ندارد و زمامداران فعلی را خدا منصوب کرده است از این جهت هر که با آنها مخالفت کند با آنچه خدا بر قرار کرده است، مخالفت می‌کند و با این کار خود را محکوم خواهد ساخت، زیرا فرمانروایان باعث وحشت نیکوکاران نیستند، بلکه بدکاران باید از آنها بترسند. آیا می‌خواهی از زمامداران ترسی نداشته باشی؟ در این صورت نیکی کن و او تو را خواهد ستود. چون که او خادم خداست و برای خیریت تو کار می‌کند. اما اگر کار نادرست انجام دهی از او هراسان باش، زیرا او بی سبب صاحب شمشیر نیست بلکه خادم خداست تا غضب خدا را در مورد خطا کاران اجرا نماید. بنا براین باید از صاحبان قدرت اطاعت کنید، نه تنها به سبب غضب خدا، بلکه به خاطر آسایش وجدان خود (عهدین، ۱۳۸۱، رومیان: ۱/ ۱۳).

خلاصه این که چون بشر طبعاً و فطرتاً در معرض هلاکت و طغیان است، عوامل زیادی سعادت انسان را تهدید می‌کند و موانع و مشکلات فراوان در سر راه هدایت و تکامل روحی و اخلاقی او وجود دارد، این است که فرد مسلمان هیچ گاه نباید جز خدا بر وجود خویش متکی باشد و بر خود توکل و اتکا کند بلکه همیشه از پروردگار خویش استعانت و استمداد بجوید و به سوی او پناه ببرد و از او درخواست هدایت و رهبری نماید تا بتواند بدون این که، با اشکال و مانعی مواجه شود، راه راست و جاده مستقیم را بی‌ماید. پس واضح است اگر حمایت و هدایت رهبران جامعه اسلامی وجود داشته باشد، امر همدلی و هم‌زبانی بی شک تحقق پیدا خواهد نمود و آحاد جامعه اسلامی از فیوضات آن بسیار استفاده خواهند نمود و بسیاری از موانع و مشکلات فراوان در سر راه هدایت و تکامل روحی و اخلاقی وجود دارد، از میان برداشته خواهد شد.

۲-۴- تفاهم بیانی و زبانی: تفاهم بیانی به معنای درک مشترک از امور است. برخی از افراد واژگان مشترکی را به کار می‌برند در حالی که تنها اشتراک لفظی وجود دارد؛ به عنوان نمونه هر دو از حقوق بشر و آزادی سخن می‌گویند، ولی درک مشترکی از مفهوم آنها ندارند؛ زیرا یکی آزادی را به معنای بی‌مبالاتی و برآوردن نیازهای شهوانی و طبیعی و غریزی و هواهای نفسانی می‌داند و آن دیگری از آن، مفهوم والاتری در نظر دارد که رهایی انسان از هر گونه عامل بازدارنده و مقیدکننده انسانیت است. از نظر چنین شخصی رهایی از هواهای نفسانی و

مدیریت آن عین آزادی است. بنابر این تفاهم بیانی و سپس زبانی نقش مهمی در همدلی افراد خواهد داشت. تفاهم در مفاهیم و سپس ارائه آن در قالب مشترک زبانی و واژگانی، می‌تواند همدلی را افزایش دهد. در قرآن کریم به اشکال مختلف از تحریف معنوی و تغییر کلمات سخن به میان آورده، رویه‌ای که برخی برای ایجاد اختلاف و یا تحقق اهداف شوم خود بهره می‌گیرند: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا» ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه به توفیق الهی از او اطاعت کنند و اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند پیش تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر [انیز] برای آنان طلب آمرزش می‌کرد قطعاً خدا را، توبه پذیر مهربان می‌یافتند (نساء/۶۴).

اسلام از مسلمانان می‌خواهد که با دست، زبان، رفتار و گفتار خود به دیگر ستم نکند تا به این واسطه جامعه و افراد آن در امنیت و آرامش کامل به سر برند. از این رو شایسته نیست گفتار و رفتار دیگران را منفی تفسیر کنیم و در ذهن خود بی دلیل آنان را غیر قابل اعتماد بدانید (گروه مولفان، ۱۳۸۴: ۵۹). این موضوع در کلام ائمه معصومین (ع) آمده به طوری که از حضرت علی (ع) روایت شده؛ «... ثُمَّ إِيَّاكُمْ وَ تَهْزِيعَ الْأَخْلَاقِ وَ تَصْرِيفَهَا وَ اجْعَلُوا اللِّسَانَ وَاحِدًا وَ لِيُخْزَنَ...» «مواظب باشید که اخلاق نیکو را درهم نشکنید و به رفتار ناپسند مبدل نسازید. زبان و دل را هماهنگ کنید (نهج، خطبه: ۱۷۶). اسباب عمران و تکامل به وجود نمی‌آید و روح تمدن و سعادت پدیدار نمی‌شود و گردن ما از یوغ بردگی آزاد نمی‌شود، مگر این که اتفاق کلمه داشته، دل‌ها به هم نزدیک و عزم‌ها منسجم باشد تا بتوانیم راه اعتلای امت و عزت ملت اسلام را فراهم آوریم و سرزمین‌ها سبز و خرم شود، آسمان رحمت بیارد و چشمه سار رحمت و محبت از قلب‌ها روان گردد (موسوی، ۱۳۶۲: ۱۵).

در مزامیر داود آمده است؛ خداوندا، مدد فرما، زیر اشخاص نیکوکار وجود ندارد و انسان وفادار در میان آدمیان یافت نمی‌شود، مردم به یکدیگر دورغ می‌گویند و با چرب زبانی و ریاکاری با یکدیگر گفتگو می‌کنند (عهدین، ۱۳۸۱، مزمور: ۱/۱۲). از گفتار شیرینانه و دروغ به پرهیزید، از شرارت دست بردارید و کارهای نیک انجام دهید، صلح و صفا را جسته و آن را دنبال نمایید (همان، مزمور: ۱۳/۳۴).

بنابراین اگر اتفاق و اتحاد و همدلی باطنی بخواهد باقی و برقرار باشد باید این همدلی به هم‌زبانی تبدیل شود و همه کسانی که عقیده و هدف مشترکی دارند یک زبان برای بیان عقیده و هدف خویش برگزینند. البته همدلی اساس است و هم‌زبانی فرع؛ چرا که ممکن است که

برخی همزبانی ظاهری داشته باشند. ولی همدلی نداشته باشند. کسانی که همدل هستند در نهایت به زبان مشترک دست خواهند یافت، ولی کسانی که همزبان هستند کمتر اتفاق می افتد که به همدلی دست یابند؛ زیرا همدلی در حوزه عقیده و ایمان و امور باطنی و اساسی است در حالی همزبانی در حقیقت در حوزه ظاهر و روش و اجرا است.

۳- مبانی اخلاقی همدلی و همزبانی

۳-۱- نیت و عمل خیر: نیت همان قصد قربت است و جان و روح عمل بوده و از خود عمل بالاترو مهم تر است. به همین دلیل اساسی ترین و انسانی ترین ویژگی در مکتب اسلام، ایمان قلبی و عملی اوبه خداوند بلند مرتبه است. لذا برای این که همدلی از دایره ذهنی و عملی به حوزه عزم و اراده و عمل در آید، باید اموری از جمله نیت و عمل خیر تحقق یابد. فاعل و کننده کار خیر باید، نیت خیر و نیک داشته باشد تا همدلی واقعی تحقق یابد. در قرآن کریم آمده؛ « مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا اِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ اُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ ». هر کس سربلندی می خواهد سربلندی یکسره از آن خداست. سخنان پاکیزه به سوی او بالا می رود و کار شایسته به آن رفعت می بخشد و کسانی که با حيله و مکر کارهای بد می کنند، عذابی سخت خواهند داشت و نیرنگشان خود تباه می گردد (فاطر/۱۰). استاد علامه طباطبایی معتقد است؛ اگر دین به درستی تحلیل شود، به یک نکته می انجامد و آن عبارت از نیت خالص (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۱۶۳). اسلام عمل با روح و نیت الهی می خواهد، نه عمل بی روح و یا هر عملی را، بنا بر این اگر انسان نماز، روزه، حج و جهاد و غیره را انجام می دهد برای خودنمایی و ریا قبول نیست. مطلب دیگر این که دایره نیت نامحدود است ولی دایره اعمال محدود است زیرا انسان عمر محدودی دارد لذا اعمالش هم محدود به زمان و مکان است. اما نیت چون یک امر و باور قلبی و مجرد است و وسعت آن شامل همه انسان ها می شود یعنی انسان می تواند بانییت خوب و بد در تمام کارهای خیر و شر همه انسان ها شریک شود و دیگر بقای نیت که ابدی است چون یک عقیده و فکر و اندیشه است. لذا از امام صادق (ع) نقل شده است: اینکه اهل آتش همیشه در آتش خواهند بود. به این جهت است که نیت آنها در این دنیا این بود که برای همیشه گناه و نافرمانی خدا کنند و هم چنین اهل بهشت در بهشت تا ابد بمانند برای این است که نیت آنها در این دنیا این بوده که همیشه خدا را اطاعت کنند پس به خاطر نیت ها است که آن دست و این دسته مخلصند.

درباره تاثیر عظیم نیت های نیک در فرجام خوش آدمیان در روایتی از امام علی بن موسی الرضا(ع) چنین آمده است: «چون روز قیامت فرا رسد مومن در پیشگاه خداوند می ایستد، آنگاه پروردگار عالم، خود به محاسبه اعمال او می پردازد و اعمالش را به او نشان می دهد، سپس مومن در نامه عمل خود می نگرد و نخستین چیزی که می بیند، گناهان است و با مشاهده آنها رنگش بر می گردد و لرزه بر اندامش می افتد و ترس و وحشت بر جانش می نشیند، آنگاه اعمال خوب خود را می بیند و با دیدن آنها چشمانش روشن و جانش شاداب و روحش شاد می گردد، سپس نگاه می کند به پاداش هایی که خداوند ارزانی اش داشته است، شادی اش شدت می یابد، آنگاه خداوند به فرشتگان فرمان می دهد کارنامه ای را بیاورند که در آن اعمالی نوشته شده است که مومنان آنها را انجام نداده اند مومنان آن کارنامه را می خوانند و می گویند؛ خدایا به عزتت سوگند که تو خود می دانی ما هیچ یک از این اعمال را انجام نداده ایم. خداوند عزو وجل می فرماید؛ راست می گویند، اما شما نیت انجام آنها را داشته اید و ما آنها را در نامه عملتان نوشته ایم. آنگاه پاداش آن اعمال به آنان داده می شود(قمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۲۶). موضوع نیت و عمل خیر به واسطه اهمیتی که در شئون زندگی داشته، مورد توجه جدی همه ائمه اطهار بوده و در این رابطه امیرالمومنین علی(ع) مهم ترین عامل اختلاف راجب سریره و پلیدی دل و نیت زشت می داند و می فرماید؛ «وانما انتم اخوان علی دین الله، ما فرق بینکم الا خبث السرائر، وسوء الضمائر، فلا توازون ولا تناصحون، ولا تباذلون ولا توادون» همانا شما برادران دینی یکدیگرید؛ چیزی جز درون پلید، و نیت زشت، شما را از هم جدا نساخته است، نه یکدیگر را یاری می دهید، نه خیر خواه یکدیگرید و نه چیزی به یکدیگر می بخشید و نه به یکدیگر دوستی می کنید(نهج، خطبه: ۱۱۳).

اهمیت این موضوع در عهدین چنین ذکر شده است؛ ما نمی خواهیم به هیچ وجه باعث لغزش کسی بشویم، مبادا نقصی در خدمت ما یافت شود، بلکه می خواهیم با هر کاری که می کنیم نشان دهیم که خادمان حقیقی خدا هستیم، یعنی با تحمل زحمات و سختی ها و دشواری ها. ما در شلاق خوردن ها، حبس ها، شورش ها، بی خوابی ها، گرسنگی ها و تلاش ها و هم چنین با خلوص نیت، معرفت، صبر، حوصله و مهربانی نشان می دهیم که خادمان خدا هستیم، تمام این کارها را با کمک روح القدس و با محبت انجام می دهیم (عهدین، ۱۳۸۱، دوم قرن تیان: ۳/۶).

لذا اگر، انسان دارای نیت ناپاک و انحرافی باشد، موجب کارهای انحرافی و زشت خواهد شد، و اگر دارای نیت صادقانه و پاک باشد، منشأ برکات و کارهای مثبت و شایسته خواهد

گردید. توضیح این که انسان وقتی کاری را انجام می‌دهد که آن را اراده کند، و اراده او وقتی تحقق می‌یابد که علاقه و شوقی به آن کار داشته باشد، و این علاقه و شوق نیز از حالت خاص نفسانی او که در روح و روانش شکل گرفته نشأت می‌گیرد و همین شکل‌گیری منبع و مخزن تصمیم‌گیری است. همانند سدّ آب که منبع آب رسانی به همه جا است، حال اگر این منبع آب، آلوده باشد، آب ناپاک و بیماری‌زا در دسترس مردم قرار می‌گیرد و اگر زلال و صاف و بهداشتی باشد، آب پاک و حیاتبخش نصیب انسان‌ها می‌گردد. نتیجه این که یک انسان سعادت‌مند کسی است که منبع و مخزن ساختاری وجودش را خالص و پاک نگهدارد تا از آن نیت و اراده پاک بجوشد و سرچشمه ارزش‌ها گردد.

۲-۳- تقوا: یکی از عوامل مهمی که در فرهنگ همدلی و هم‌زبانی نقش آفرین است، داشتن تقوا و تدین بوده و باید هر فرد مسلمان آن را دارا و در جامعه اسلامی هم حاکم باشد. کسی که از کانون تاریک ردالت خارج شده و به مقام نورانی تقوا رسیده باشد، همیشه عزیز است، چون اتکاء به وجود لایتنهای الهی دارد (موسوی، ۱۳۸۱: ۶۶). خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر از خدا پروا دارید برای شما [نیروی] تشخیص [حق از باطل] قرار می‌دهد و گناهانتان را از شما می‌زداید و شما را می‌آمرد و خدا دارای بخشش بزرگ است (انفال/۲۹).

در تفسیر این آیه چنین آمده است: تقوا آن حالت خدا ترسی است که انسان را از افتادن در منجلاب فساد و گناه باز می‌دارد و چون انسان از گناهان پرهیز کرد و بر هوا و هوس‌ها مسلط شد، طبیعی است که دل او صفا می‌یابد و اندیشه او شفاف تر می‌شود. اودر قضاوت‌هایی که می‌کند هوا و هوس را دخالت نمی‌دهد و خودپرستی و سودجویی را کنار می‌گذارد و در چنین حالتی است که داوری درستی می‌کند و حق و باطل را به هم در نمی‌آمیزد (جعفری، ۱۳۸۷، ج ۴: ۳۵۵). این موضوع از نظر امامان هم چون امیرالمومنین (ع) دور نمانده به طوری که در مورد ارزش تقوا و تدین می‌فرماید: «همانا تقوا و ترس از خدا، داروی بیماری‌ها دل‌ها، روشنایی قلب‌ها، و درمان دردهای بدن‌ها، مرهم زخم‌ها، پاک‌کننده پلیدی‌های ارواح و روشنایی بخش تاریکی چشم‌ها و امنیت‌دهنده ناآرامی‌ها و روشن‌کننده تاریکی‌های شماسست» (نهج، خطبه: ۱۹۸). در روایتی از رسول خدا (ص) آمده است: «مردم از حضرت آدم تا امروز همانند دندان‌های شانه با یکدیگر یکسانند، عرب را بر عجم فضیلتی نیست و سرخ‌رویان بر سیاهان برتری و فرقی ندارند، تنها پرهیزکاران پاکدل و درستکار، گروه ممتاز جامعه

هستند» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ج ۶: ۷۶۴). مفضل نقل می کند در محضر امام صادق (ع) بودم و صحبت از عمل انسان پیش آمد، وی گفت؛ پس از صحبت های امام (ع)، گفتم؛ چقدر عمل من ضعیف و کم است و امام صادق (ع) در جواب فرمودند؛ «این گونه نیست آرام باش و به خدا استغفار کن و بعد فرمودند؛ عمل کم همراه با تقوا بهتر از عمل زیاد بدون تقوا است و اساس مقبولیت و ارزش عمل تقوا به کیفیت آن است و کمیت عمل مبنای ارزش و ارتقاء آن نخواهد بود (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۷۶). تقوا از درون و باطن و از حوزه بینشی آغاز می شود و به بیرون و عمل اجتماعی و هنجاری کشیده می شود. دربینش قرآنی، تقوا هم راه و هم روش و هم بینش و نیز عمل است. از جمله کارکردهایی که قرآن برای تقوا بر می شمارد اتحاد و وحدت در میان مسلمانان است؛ زیرا تقوا زمینه ساز تمسک به حبل الله و نیل به وحدت و اتحاد اجتماعی جامعه اسلامی و امت قرآن است.

نگاه عهدین (دین یهود) در این باره چنین است؛ احتیاط کنید، مبدا خدایی را که شما را از بردگی در مصر نجات داد، فراموش کنید، از خداوند خدای خود بترسید و فقط او را خدمت نمایند و به نام او سوگند یاد کنید (عهدین، ۱۳۸۱، تثنیه: ۱۲/۶). انسان باید از خدا بترسد و اوامر او را به جا آورد، زیرا که این تمام وظیفه او ست، چون خدا هر کار خوب یا بد انسان را حتی اگر در خفا انجام شده باشد، دآوری خواهد کرد (همان، جامعه: ۱۳/۱۲). در جای دیگری عهدین آمده که؛ ای اقوام روی زمین، خداوند را ستایش کنید و جلال و قدرت او را بستابید، ای تمامی مردم زمین، خداوند را لباس پرهیزکاری به پرستید (همان، مزمو: ۷/۹۶). جامعه ای که بر پایه تقوا استوار است به وحدت و اتحاد دست می یابد و از آثار آن برخوردار می شود. بنابراین عمل به دین یعنی تقوای الهی داشتن که خود زمینه ای برای اتحاد و وحدت در هدف و روش است و دوری از تقوا یعنی فروگذاری بخشی از دین و عمل به بخشی از آن که در نتیجه آن هر یک تنها به آن بخشی که عمل می کنند، باور داشته و بدان شاد شده و دیگران را منکر می شوند و تخطئه می کنند و این گونه است که جامعه دچار تشتت و اختلاف می گردد و جامعه ای که در تشتت باشد هرگز نمی تواند به همدلی برسد.

۳-۳- حسن خلق و مهرورزی: حسن خلق دو معنا دارد: معنای عام و معنای خاص. حسن خلق به معنای عام عبارت است از مجموعه خصلت های پسندیده ای که لازم است انسان روح خود را به آن ها بیاراید. حسن خلق به معنای خاص عبارت است از خوش رویی، خوش رفتاری، حسن معاشرت و برخورد پسندیده با دیگران (نراقی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۳۴۳-۳۴۲). از دیگر اموری که همدلی را موجب می شود، خوش خویی و حسن خلق است. انسان هایی که دارای حسن

خلق هستند، مردم را به سوی خویش جلب می‌کنند. حسن خلق محبوب‌ترین و ارزشمندترین عمل نزد خداوند پس از واجبات الهی است. در فرهنگ اسلام از رحمت الهی ریشه می‌گیرد که خداوند مهربان، پیامبر اکرم (ص) را به عنوان الگوی برتر حسن خلق معرفی می‌کند و چنین می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَّفُتِّسُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» [بِس] به [برکت] رحمت الهی با آنان نرم خو [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند، پس از آنان درگذر و برایشان آموزش بخواه و در کار [ها] با آنان مشورت کن و چون تصمیم‌گرفتی بر خدا توکل کن زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد (آل عمران ۱۵۹). در تفسیر این آیه بیان شده است «فظ» کسی است که بد خلق و سخت‌گیر باشد، چون علت، شکست مسلمانان در «احد» اشتباه مسلمانان بود، جا داشت که رسول خدا (ص) دیگر به آن‌ها نرمش نشان ندهد، خدا در اینجا می‌فرماید: «اشتباهی شده است، خدا آنها را آمرزیده، تو هم همان ملایمت و عفو فتی را که داشتی ادامه بده، چون ملایمت بهترین عامل برای جمع کردن آنهاست و اگر از اول سخت‌گیر بودی از اطرافت پراکنده شده بودند (قرشی بنایی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۱۷).

حسن خلق و گشاده‌رویی از بارزترین صفاتی است که در معاشرت‌های اجتماعی باعث نفوذ محبت شده و در تأثیر سخن اثری شگفت‌انگیز دارد. به همین جهت خدای مهربان، پیامبران و سفیران خود را انسان‌هایی عطوف و نرم‌خو قرار داد تا بهتر بتوانند در مردم اثر گذارند و آنان را به سوی خود جذب نمایند. حسن خلق از جمله فضایی است که علمای اخلاق بر آن تکیه می‌کنند و جامعه را به سمت آن دعوت می‌نمایند، چرا که با خوش اخلاقی و گشاده‌رویی، شاهد جامعه‌ای با نشاط و شاداب خواهیم بود و این کم‌ترین خدمتی است که می‌توان به دیگران رساند. در این ارتباط رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «ای مردم البته می‌دانم ثروت شما به قدری نیست که دل مردم را با بخشش آن بدست آورید با گشاده‌رویی و حسن خلق می‌توانید آنان را خشنود سازید» (نوری، ۱۴۱۰ ق، ج ۲: ۸۳). از امام صادق (ع) روایت شده است: «نیکی و خوشخویی سرزمین را آباد می‌کنند و بر عمر و روزی آدمی می‌افزایند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۰۰).

خوش اخلاقی از چنان اهمیتی برخوردار است که در روز قیامت نخستین چیزی که در ترازوی سنجش اعمال بنده می‌گذارند، اخلاق نیک اوست و چیزی به اندازه آن، ترازوی عمل انسان را سنگین نمی‌سازد. رسول خدا (ص) فرمود: «اول چیزی که در میزان عمل بنده نهاده می‌شود، حسن خلق او است» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۶۸: ۳۸۵).

این موضوع در عهدین این چنین اشاره شده است؛ هیچ چیز به کسی مقروض نباشی به جز محبت به یکدیگر. کسی که دیگران را محبت کند، شریعت را به جا آورده است، پس محبت، اجرای کامل و تمام شریعت است (عهدین، ۱۳۸۱، رومیان: ۸/۱۳). محبت شما حقیقی و صمیمی باشد، از بدی بگریزید و به نیکی بچسبید، یکدیگر را با محبت مسیحایی دوست بدارید و هر کس به دیگری بیشتر از خود احترام نماید (همان، رومیان: ۹/۱۲). در جای دیگر (...). آمده است: «همیشه فروتن، ملایم و بردبار باشید و با محبت یکدیگر را تحمل کنید. برای حفظ آن وحدتی که روح القدس وجود می آورد و با رشته های صلح و صفا به هم پیوسته می شود، نهایت کوشش خود را بکنید. همان طوری که یک بدن و یک روح القدس است و یک خدا وجود دارد که پدر همه و بالاتر از همه بوده و در همه کار می کند و در همه ساکن است (همان، افسیان: ۱/۳).

بدیهی است که خوش رفتاری مؤمنان با یکدیگر، یکی از ارزش های والای اخلاقی به حساب می آید. از آن جا که انسان در درون خود به صورت طبیعت اولیه هر دو دسته از صفات نیک و پسندیده را دارا می باشد و می تواند آن را از قوه به فعلیت درآورد. برای فعلیت درآوردن هر دسته از این صفات، نیازمند بستر، زمینه و عواملی است. از این روست که نیک خوئی به عنوان یک اصل اساسی در دستورها و آموزه های وحیانی الهی مورد تأکید و سفارش قرار گرفته و از مؤمنان خواسته شده است که این منش را در زندگی خود درپیش گیرند.

۳-۴- حسن ظن و دوری از بدگمانی: نیک انگاری درباره خداوند، فعل و انفعالات جهان و نیز پندار، گفتار و کردار انسان ها، خوش بینی، مثبت نگری یا به تعبیر روایات اسلامی حسن ظن نام دارد (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۳۴). برای آن که همدلی میان افراد جامعه پدید و تقویت شود، باید به جای بدگمانی، حسن ظن و خوش گمانی جایگزین شود. در این زمینه آیه ۱۲ سوره حجرات به این موضوع اشاره نموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ». ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمان ها بپرهیزید که پاره ای از گمان ها گناه است و جاسوسی مکنید و بعضی از شما، غیبت بعضی نکنند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد از آن کراهت دارید [پس] از خدا بترسید که خدا توبه پذیر مهربان است.

حسن ظن آحاد مردم به یکدیگر، فضایی از اعتماد عمومی را بر جامعه، سایه می افکند که در پرتو آن، رابطه میانشان، سالم و کارآمدتر خواهد گشت. حضرت علی (ع) آن را بزرگ ترین عطیه معرفی می کند: «حُسْنُ الظَّنِّ مِنْ أَحْسَنِ الشَّيْمِ وَأَفْضَلَ الْقِسْمِ» خوش گمانی از بهترین

خوبی‌ها و بزرگ‌ترین عطیه هاست (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۳، ح ۴۸۲۴). در مورد ویژگی‌های مسلمان واقعی از امام صادق (ع) این چنین روایت شده: «مسلمان، برادر مسلمان است و برای برادر مسلمان خود مانند چشم و آئینه است و راهنما و خیر خواه اوست. هرگز به برادر خود خیانت نمی‌کند. در باره او نیرنگ و حيله به کار نمی‌برد. به او ستم روا نمی‌دارد. به او دروغ نمی‌گوید و در غیاب وی سخن ناروایی بر زبان نمی‌آورد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۴: ۱۶۶).

حضرت علی (ع) یکی از ارکان مهم و روابط حسنه اجتماعی و امنیت کامل را در پرتو خوش بینی دانسته و می‌فرماید: «اعمال برادر دینی ات را بر نیکوترین وجهی تفسیر و توجیه کن، مگر این که دلیلی بر خلاف آن قائم شود و هرگز نسبت به سخنی که از برادر مسلمانان صادر شده گمان بد مبر تا هنگامی که می‌توانی برای آن توجیهی مناسب و راه صحیح داشته باشی (کلینی، ۱۳۹۲ق، ج ۳: ۱۱۹). ارزش این فضیلت وقتی معلوم می‌شود که بدانیم امید و نشاط در زندگی و جامعه در سایه آن حاصل می‌شود. اسلام به طور صریح با مسئله بدبینی و بدگمانی مبارزه می‌کند و مسلمانان را از این بیماری خطرناک برحذر داشته و به حسن ظن رهنمون می‌سازد. قرآن کریم و احادیث معصومین (ع) کاملاً روشن‌گر این مطلب می‌باشند که بدبینی و سوء ظن در میان مسلمانان امری مذموم و حسن ظن که نقطه مقابل آن است امری نیکو و مورد تایید و تاکید است (عزیزی، ۱۳۷۴: ۱۶-۹). (.. .) به موضوع حسن ظن در عهدین این گونه اشاره شده است؛ شایعات باطل را انتشار ندهید و با شهادت دروغ از شیران پشتیبانی نکنید در انجام کارهای خلاف هم رنگ جماعت نشوید و در موقع دعوا به خاطر پیروی از اکثریت شهادت دروغ ندهید و حق را پایمال نکنید (عهدین، ۱۳۸۱، خروج: ۱/۲۳) و هم چنین در عهد جدید، چنین اشاره شده؛ خداوند، ای نگهدارنده من، مرا جزو شیران و بدکاران حساب مکن، آنانی که با همسایگان خود دوستانه حرف می‌زنند، اما در دلشان قصد آزار آنها را دارند (همان، مزامیر: ۱/۲۸). با شرح موضوع حسن ظن، طبیعی است که برای دستیابی به آن باید از راه‌های ویژه‌اش وارد شد که به اختصار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- **پرستش نیکو:** همانا خداوند را به خوبی پرستیدن می‌باشد، راهی برای به دست آوردن حسن ظن است که انسان نیکو پرست را دارای گمان و پندار نیک می‌گرداند. شاید با تاثیر حسن بندگی است که امام علی (ع) می‌فرماید: «هر کس عبادتش نیکو باشد گمان و پندارش نیکو می‌شود» (هندی، ۱۴۰۵ق، ج ۳: ۱۳۵).

۲- ترتیب اثر ندادن به سوء ظن (بی اعتنائی): در حوزه اخلاق و معاشرت، اصل اولی بر حسن ظن است مگر آن که خلاف آن ثابت شود و راز این استثناء آن است که نهاد جامعه و نهادهای اجتماعی بدون پایبندی و کاربرد این اصل، استوار و پابرجا نمی باشند.

۳- پرهیز از پیش داوری: اگر انسان بتواند از پیش داوری پرهیز کند و منتظر بماند تا با گذر زمان به حقایق برسد، می تواند زمینه ایجاد حسن ظن را در خود به وجود آورد و به مرور زمان به آن دست یابد. (کف / ۸۲ - ۵۹؛ داستان خضر و موسی در قرآن کریم، نمونه ای برجسته از پیش داوری است که به فراق آن دو بزرگ انجامید).

۴- توجه به حضور خدا در هستی (خداوند را حاضر و ناظر دیدن): قرآن کریم می فرماید: «هر کجا باشید او با شماست.» (حدید / بخشی از آیه ۴)، «پس به هر سو رو کنید، آنجا روی (به) خداست» (بقره / بخشی از آیه ۱۱۵)، «خدا از آنچه می کنید، غافل نیست.» (بقره / بخشی از آیه ۷۴). اگر انسان ها از باورهای توحیدی و ارزش های خدا محورانه آگاه باشند، در این صورت هنجار شکنی و بزهکاری به کمترین اندازه خود فرو می کاهد و انسان مزه شیرین حسن ظن را از محصول آن می چشد.

۵ نیک انگاری: امام علی (ع) می فرماید: «گمان و انگاره ات از گفتار و کردار برادر مومنت، نیکوترین گونه آن باشد مگر آن که دریایی که وی از سر علم و آگاهی آن کار را انجام داده است» (حر عاملی، ۱۳۷۰، ج ۸ : ۶۱۴).

۶- نیکوکاری: نیکوکاری، نتایج و ثمراتی گوناگونی دارد. یکی از آن ها پندار نیک است. بر این اساس، هر کس در جامعه، تخم نیکوکاری و احسان بپاشد، ثمره ای به نام پندار نیک دیگران به خودش را، برداشت خواهد کرد. امام علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر، خطاب به وی چنین نوشته است: «بدان که هیچ چیزی بهتر از نیکوکاری فرمانروا به شهروندان، حسن ظن آنان را به او بر نمی انگیزد. (نهج : ۵۳). با توصیف موارد فوق، می توان چنین نتیجه گرفت که پس از حصول حسن ظن، انسان ها می توانند در جامعه، با هم بیشتر همدل و همزبان باشند ووظایف و تکالیف انسانی خود را بهتر نسبت به هم انجام دهند.

۳-۵- احساس مسئولیت و نعدوستی: هدف از آفرینش انسان اینست که با انتخاب راه صحیح و طی کردن صراط مستقیم به مقام قرب الهی نائل شود و این امر میسر نمی شود مگر این که به دعوت حق، لَبَّیک گوید و با بهره گیری از تعالیم روشننگر وحی، نیک و بد را باز شناخته و پس از آشنایی با وظایف و مسئولیت های خویش در عمل به آن کمر همّت ببندد.

احساس مسئولیت، نوعی احساس التزام به عمل یا واکنش فردی در موقعیت های گوناگون به دلیل تقید به دیگران، نوعی احساس تعهد و پابندی به دیگران، تبعیت از قواعد گروهی که در ذهن فرد شکل گرفته و بر رفتارهای او اثر می گذارد، می باشد (سبحان نژاد، ۱۳۷۹: ۱۸).

از آنجایی که انسان ها حکم اعضای یک پیکر را دارند، نمی توانند نسبت به همدیگر بی تفاوت باشند و این حس که به نوع دوستی تعبیر می شود در همه انسان ها وجود دارد. اسلام هرگز با فردگرایی و بی توجهی به دیگران موافق نمی باشد و وجود محیط مساعد اجتماعی را شرط لازم برای رسیدن به کمال می داند. آیات قرآن و روایات معصومین (ع) تاکید فراوانی بر اخوت و نوع دوستی نموده و بر پایه آن، حقوقی نیز بر عهده طرفین نهاده شده است که اگر شانه از زیر آن خالی کنند در واقع حق هم کیشی را از دست داده است. در قرآن کریم آمده:

«لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...»
نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد و مال [خود] را با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و بینویان و در راه ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن] بندگان بدهد و نماز را برپای دارد و زکات را بدهد و آنان که چون عهد بندند به عهد خود وفاداراند و در سختی و زیان و به هنگام جنگ شکیبایانند آنانند کسانی که راست گفته‌اند و آنان همان پرهیزگارانند (بقره ۱۷۷).

از امام صادق (ع) نقل شده است؛ هر کسی یک حاجت برادر مومن خود را روا کند خدای عزوجل روز قیامت صد هزار حاجت او را روا کند که نخستین آنها بهشت باشد و دیگرش این که خویشان و آشنایان و برادرانش را اگر ناجی نباشند به بهشت برد (کلینی، ۱۳۹۲ق، ج ۳: ۲۷۶). مسئولیت، معادل وظیفه شناسی و تعهد و پاسخ گویی می باشد و انسان از نظر قرآن مسئولیت وظایفی بر عهده دارد. قبول خلافت و امانت الهی از طرف انسان یعنی قبول مسئولیت. رابطه مسئولیت و اختیار به صورتی است که اختیار در حد مسئولیت و مسئولیت در حد اختیار خواهد بود. انسان تنها در برابر خدا مسئول است، چون تمام تکالیف و وظایفی که بر عهده انسان گذاشته شده است بالاخره روزی فرا خواهد رسید و از طرف خداوند مؤاخذه خواهد شد و سعادت در سایه تزکیه نفس و انجام تکالیف بدست می آید که ریشه اصلی سعادت، احساس مسئولیت است. بی شک احساس مسئولیت و نوع دوستی در انسان ها، موجبات افزایش همدلی و هم‌زمانی در بین آنها خواهد شد. علاوه براین که قرآن به این موضوع اشاره نموده است، در کتاب عهدین هم این گونه بیان شده است؛ تمام ایمانداران با هم متحد و در همه چیز

شریک بوده، مال و دارایی خود را می فروختند و نسبت به احتیاج هر کس بین خود تقسیم می کردند، آنان هر روز در معبد بزرگ دور هم جمع می شدند و در خانه های خود، نان را پاره می کردند و با دلخوشی و صمیمیت با هم غذا می خوردند و خدارا حمد می کردند و مورد احترام همه مردم بودند (عهدین، ۱۳۸۱، کارهای رسولان: ۴۴/۲).

به طور کلی رفتارهای اجتماعی مطلوب نشان می دهند که افراد بشر چقدر مسئولیت پذیر هستند و چگونه و با چه انگیزه هایی در شرایط عادی و اضطراری به شکل نوع دوستی، کمک رسان دیگران می شوند. امروزه واژه های «رفتار توأم با کمک رسانی»، «رفتار اجتماعی مطلوب»، «نوع دوستی» اغلب مترادف یکدیگر به کار می روند. در زندگی اجتماعی کنونی که همگان به همدیگر تاثیر گذار هستند، جلوه های نوع دوستی، می تواند پیش برنده همدلی و همزبانی باشد.

۶-۳- پرهیز از نفاق و ریا: نفاق، مخالفت نهان و آشکار است، مساوی است که در ایمان باشد یا در طاعت ها یا در معاشرت با مردمان و مساوی است که قصد طلب جاه و مال داشته باشد یا نه (نراقی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۲۸۳). کلمه نفاق به معنای «اظهار کردن مطلبی بر خلاف اعتقاد» (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۸: ۹۴۲). صفت نفاق در ادبیات اسلامی بسیار منفی و زشت شمرده شده به گونه ای که منافق بدتر از کافر و مشرک خوانده شده است. در قرآن کریم آمده است: «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا» آری منافقان در فروترین درجات دوزخند و هرگز برای آنان یآوری نخواهی یافت (نساء/۱۴۵).

در روایات هم به این موضوع اشاره شده است، به طوری که رسول خدا (ص) می فرماید: «هرکس که در دنیا دو چهره داشته باشد در قیامت دو زبان از آتش خواهد داشت و در تورات نیز وارد شده است که؛ امانت را باطل کرده است مردی که با دوستش با دو زبان سخن می گوید و خداوند در روز قیامت هردو انسان دو زبان را، هلاک خواهد کرد (نراقی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۲۸۴). هم چنین از ایشان نقل شده؛ «کسی که باطنش با ظاهرش ناسازگار باشد او منافق است، هر که می خواهد باشد» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۲: ۲۰۷). ریا، طلب منزلت در قلب های مردمان است با خصلت های نیک، یا هر اثری که بر آن دلالت کند، پس آن از اصناف جاه هست، چه آن (جاه) نیز طلب منزلت در قلب هاست، با هر عملی که روی دهد، ریا نیز طلب منزلت است، با خصلت های نیک یا هر چیزی که بتوان به صفات نیک پی برد (نراقی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۲۴۱).

خداوند سبحان در سوره کهف آیه ۱۱۰ می‌فرماید: «... فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» پس هر کس به لقای پروردگار خود امید دارد، باید به کار شایسته بپردازد و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد. نفاق یک موضوع بسیار مهم در سطح جامعه بوده و به دلیل اهمیت آن، امیرالمومنین (ع) فرمودند: «اخشوا الله خشية ليست بتعذير، واعملوا في غير رياء ولا سمعه؛ فانه من يعمل لغير الله يكله الله لمن عمل له» از خداوند متعال بترسید، با ترس و بی‌می آمیخته با امید از او داشته باشید که پوزش نابخا نباشد، عمل را خالصانه، بی‌ریا و بی‌شهرت پرستی به جای آورید، زیرا کسی که برای غیر خدا عمل کند، او را به همان کسی که از عمل خویش منظور داشته است، واگذار می‌کند (نهج، خطبه: ۲۳).

به موضوع نفاق و ریا در عهدین این‌گونه ذکر شده است؛ که چون آنها خدانشناسی را امری ناچیز شمرده‌اند، خداوند کریم آنها را تسلیم افکار فاسدشان نمود تا کارهای زشت و ناشایست به جا آورند، آنها از انواع شرارت و بدی و طمع و هم‌چنین از حسادت، آدم‌کشی، نزاع، فریب‌کاری و سو‌نیت، پر هستند، آنها شایعه می‌سازند و از یکدیگر بدگویی می‌کنند، بی‌فهم و بی‌وفا و بی‌عاطفه و بی‌رحمند و با وجود این که فرمان خدا را می‌دانند، مجریان چنین کارها، مستوجب مرگند، ولی نه فقط خودشان این کارها را می‌کنند بلکه دیگران را نیز در انجام آنها تشویق می‌کنند (عهدین، ۱۳۸۱، رومیان: ۲۸/۱). در جای دیگر این کتاب آمده است: «وای بر شما ای علما و فریسیان ریاکار، شما مثل مقبره‌های سفید شده‌ای هستید که ظاهری زیبا دارند، اما داخل آنها پر از استخوان‌ها مردگان و انواع کثافات است، شما هم همین‌طور ظاهراً مردمانی درستکار ولی در باطن پر از ریاکاری و شرارت هستید (همان، متی: ۲۳/۲۷).

نفاق مشکلی است که هم در اسلام از ابتدای ظهور با آن مواجه بوده و هم در عهدین. نفاق رفتاری است ناشی از انگیزه‌های مادی و دنیوی؛ در چنین حالتی بشر به راستی و از درون به امری معتقد نیست بلکه از روی انگیزه‌های خاص تظاهر به اعتقاد می‌نماید. آنچه از آموزه‌های قرآن و عهدین می‌توان نتیجه گرفت اینست که نفاق با فساد ملازم و همراه است و اولین اثر این فساد، فساد در ایمان شخص است. پس در کسی که ایمان نباشد نمی‌تواند انتظار داشت به مسائلی همچون همدلی و هم‌زبانی بپردازد. از اینرو جهت تجلی پیدا نمودن همدلی و هم‌زبانی در جامعه اسلامی، آحاد جامعه باید به کوششند از نفاق و ریا دوری و تبری بجویند.

۷-۳- عدالت محوری و انصاف: از دیگر اموری که همدلی را موجب می‌شود، مراعات عدل و انصاف است. انصاف که نوعی اکرام است، نادیده گرفتن برخی از حقوق خویش و ایثار برای جلب

رضایت دیگران است. اگر افراد جامعه فراتر از عدل، با انصاف با دیگران رفتار کنند، جامعه‌ای همدل ایجاد می‌شود و انسان‌ها به یکدیگر گرایش بیشتری می‌یابند. عدالت و انصاف از نظر آموزه‌های قرآنی موجب قوام جامعه و پرهیز از هرگونه عوامل تنش‌زا و اختلاف برانگیز است. در قرآن کریم آمده است: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نَ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا غَدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ » ای کسانی که ایمان آورده‌اید برای خدا به داد بر خیزید [و] به عدالت شهادت دهید و البته نباید، دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید، عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک تر است و از خدا پروا دارید که خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است (مائده/۸). در جای دیگر از قرآن آمده: « قُلْ أُمِرْتُ بِالْقِسْطِ. . . » بگو پروردگرم امر به عدالت کرده است. . . (اعراف/۲۹).

انسان‌هایی که به تبعیت از آموزه‌های قرآنی، همواره در زندگی خود به دنبال موضوع عدالت محوری بوده و خود را مکلف به عمل آن می‌کنند، بدون شک شرایط بهتری را جهت انجام امر همدلی و همزبانی دارند. پیامبر اکرم (ص) یکی از نشانه‌های عدالت را چنین می‌شناسد که انسان هرچه را برای خود نمی‌پسندد برای دیگران هم بد شمارد و هرچیزی را برای خود می‌پسندد برای دیگران هم دوست بدارد. در این صورت در دادگری عادل و در عدل، اهل قسط خواهد بود (ابن شعبه الحرائی، ۱۳۶۳: ۱۴). استوار سازی عدالت و گسترانیدن آن در جامعه از مهم‌ترین اهداف بعثت پیامبران الهی بوده است. وقتی هدف از بعثت پیامبران اجرای عدالت باشد، وظیفه رهبران حکومت دینی، والیان و قضایان است که همه احکام و تصمیم‌های خود را در سمت و سوی اجرای عدالت قرار دهند. مصداق بارز یک شخصیت عادل و عدالت‌گستر را می‌توان امام علی (ع) نام برد. آن امام همام زمانی که محمد بن ابی‌بکر را به حکومت مصر منصوب کرد، در عهد نامه خود در خصوص عدالت و برابری بین مردم چنین فرمود؛ بالت را برای ایشان (اهل مصر) بخوابان و با همگان فروتن باش، پهلویت را برای ایشان هموار دار با آنان گشاده رو باشد و با زیر دستان ترشروی می‌کن و آن‌ها را به نگرستن زیر چشمی و خیره شدن در رو یکنواخت بدار تا بزرگان به ظلم و ستم تو به سودشان طمع نمایند و ناتوانان از عدل و درستکاری تو ناامید نگردند، زیرا در روز رستاخیز، از کردار کوچک و بزرگ و آشکار و پنهان پرسش می‌شود (نهج، نامه: ۲۷).

مقوله عدالت محوری، عدالت ورزی و انصاف به موازات دین اسلام و قرآن در عهدین هم از آن ذکر شده است به طوری که پیروان خود را به عمل و انجام آن توصیه نمودند. خداوند، تو عادل هستی و از روی عدل و انصاف داوری می‌کنی، قوانین تو همه از روی عدل و انصاف است، عدالت تو ابدی و شریعت تو درست است (عهدین، ۱۳۸۱، مزامیر: ۱۳۷/۱۱۹). در جای دیگر از عهدین چنین ذکر شده است؛ برای هر یک از طایفه‌هایتان در شهرهایی که خداوند خدایتان

به شما می دهد، قضاوت و مامورانی را بگمارید تا مردم را عادلانه داوری کنند، در داوری بی عدالتی نکنید، طرفداری ننمایید، رشوه نگیرید، زیرا رشوه حتی چشمان مردم دانا و صادق را کور می کند و اشخاص راستگو را دروغگو می سازد، از عدالت کامل پیروی کنید (همان، تثنیه ۱۶/۱۸). دستور دیگری پیرامون عمل و انجام امر عدالت گری در عهدین آمده است؛ در قضاوت، عادل باشید و بین فرد تنگدست و ثروتمند تبعیض قایل نشوید، بلکه با همه از روی انصاف و عدالت رفتار نمایید (همان، لاویان: ۱۵/۱۹). و همچنین در جای دیگر از این کتاب آمده است؛ تبعیض قایل نشوید، مغرور نباشید واز معاشرت با حقیقان خودداری نکنید و خود را از دیگران داناتر نشمارید، به هیچ کس عوض بدی، بدی نکنید، مواظب باشید که تمام کارهای شما در نزد مردم نیکو باشد حتی الامکان تا آنجا که مربوط به شماست با همه مردم در صلح و صفا زندگی کنید. ای دوستان عزیز به هیچ وجه انتقام خود را نگیرید بلکه آن را به مکافات الهی واگذار کنید (همان، رومیان: ۱۶/۱۲).

جمع بندی و نتیجه گیری

موضوع همدلی و هم‌زبانی در هر جامعه ای از اهمیت خاصی برخوردار است. براساس آموزه های قرآن و ادیان آسمانی دیگر (مسیحیت و یهود) انسان از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار است و به همین منظور برای همه انسان ها، برنامه زندگی و اهداف معینی تعریف نموده و از آنان می خواهند تا براساس آن، اهتمام لازم به عمل آورده تا رستگار شوند. افراد جامعه برای این که بتوانند برنامه ها و اهداف زندگی خود را اجرای نمایند، بایستی شرایط زندگی خود را مطلوب و مناسب پی ریزی نمایند که از جمله این شرایط مطلوب، بسط و گسترش فرهنگ همدلی، هم‌زبانی است. بی تردید اگر همدلی و هم‌زبانی در بالاترین سطح خود در جامعه حکم فرما گردد، زمینه تکامل انسان ها فراهم خواهد شد.

موضوع همدلی و هم‌زبانی هم در قرآن و هم در عهدین از اشتراک فراوانی برخوردارند، لکن به صراحت می توان چنین ادعا نمود که قرآن کریم به دلیل کامل بودن و عدم تحریف آیات آن نسبت به عهدین که در طول دوران با تحریف فراوان روبرو شده است، از فضیلت و برتری ویژه ای برخوردار است. به طور کلی می توان نتیجه گرفت که قرآن و عهدین به صورت تضمینی و تلویحی عواملی همچون ایمان گرایی و خدامحوری، وحدت در عقیده و هدف، هدایت و رهبری، تفاهم بیانی و زبانی، نیت و عمل خیر، تقوا و تدین، حسن خلق و مهرورزی، حسن ظن و دوری از بدگمانی، احساس مسئولیت و نوع دوستی، پرهیز از نفاق و ریا، عدالت محوری و

انصاف را در ایجاد اندیشه و تقرب به سوی همدلی و همزبانی در انسان ها، موثر می دانند. به همین منظور آحاد جامعه اسلامی باید به عواملی که ذکر شد، توسل جسته و اهتمام نمایند تا زمینه تجدید و استمرار آن را همواره فراهم نمایند. این نکته قابل تاکید است که با توجه به شرایط کنونی که در آن به سر برده و جامعه ما در معرض تهدید و فشارهای فراوان سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از سوی ابرقدرتهای جهان است لازم است تا از هرگونه رفتار و کرداری که لطمه به مسئله همدلی و همزبانی در جامعه می زند، جداً پرهیز شود.

فهرست منابع:

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه (۱۳۸۰)، ترجمه محمددشتی، نشر مشرقین، قم.
۳. نهج الفصاحه (۱۳۸۶)، ترجمه ابوالقاسم یابنده، نشر بدرقه جاویدان، قم.
۴. عهدین (۱۳۸۱)، بی نام، نشر سرخدار، تهران
۵. انوری، حسن (۱۳۸۲)، فرهنگ فشرده سخن، نشر سخن، تهران.
۶. ابن شعبه الحرانی، حسن (۱۳۶۳) تحف العقول (ترجمه: علی اکبر غفاری)، موسسه انتشارات اسلامی، قم.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، غرر الحکم ودرر الکلم (تحقیق مصطفی رایتی)، نشر دفتر تبلیغات اسلامی قم.
۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، نشر دانشگاه تهران، تهران.
۹. جعفری، یعقوب (۱۳۷۶)، تفسیر کوثر، نشر هجرت، قم.
۱۰. جوادی، محسن (۱۳۷۶)، نظریه های ایمان در عرصه کلام و قرآن، نشر معارف، قم
۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، ولایت فقیه، نشر اسراء، قم.
۱۲. حر عاملی، محمدبن حسن (۱۳۷۰)، وسائل الشیعه، نشر دارالحیاء التراث العربی، بیروت.
۱۳. سبحان نژاد، مهدی (۱۳۷۹)، مسئولیت پذیری اجتماعی در برنامه درسی کنونی دوره ابتدایی ایران و طراحی برای آینده، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۱۴. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۸)، الوسیط فی اصول الفقه، نشر موسسه امام صادق (ع) قم.
۱۵. شریفی، احمد حسین (۱۳۸۶)، آیین زندگی، نشر معارف، تهران.
۱۶. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن (ترجمه سیدمحمد باقر موسوی)، انتشارات حوزه علمیه قم.
۱۷. عمید، محمد (۱۳۸۲)، فرهنگ فارسی عمید، نشر ندا، تهران.

۱۸. عزیزی، عباس (۱۳۷۴)، *حسن ظن و سوء ظن*، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران.
۱۹. علامه هندی، علاءالدین علی الممتقی بن حسام الدین (۱۴۰۵ ق)، *کنز العمال*، نشر موسسه الرساله، بیروت.
۲۰. قرشی بنابی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۷)، *تفسیر احسن الحدیث*، نشر بنیاد بعثت، تهران.
۲۱. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳)، *تفسیر قمی*، نشر دارالکتاب، قم.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۲ ق)، *الکافی* (ترجمه محمد باقر کمرئی)، نشرالمکتب الاسلامیه، تهران.
۲۳. گروه مولفان (۱۳۸۴)، *جلوه های خدامحوری در زندگی*، نشر دارالهدی، قم.
۲۴. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ ق)، *بحار الانوار*، نشرالوفاء، بیروت.
۲۵. موسوی، سید محسن (۱۳۸۱)، *تقوا و اخلاق قرآنی*، نشر نورعلی نور، قم.
۲۶. موسوی، سید شرف الدین (۱۳۶۲)، *مباحثی عمیق در وحدت اسلامی* (ترجمه احمد صادقی اردستانی)، نشر صادق، قم.
۲۷. نوری، حسین (۱۴۱۰ ق)، *مستدرک الوسائل*، نشر قائم آل البيت (ع)، قم.
۲۸. نفیسی، علی اکبر (بی تا)، *فرهنگ فارسی نفیسی*، نشر خیام، تهران.
۲۹. نراقی، مهدی (۱۳۹۰)، *جامع السعادات* (ترجمه کریم فیضی)، نشر قائم آل محمد، قم.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی